



اندیشه‌های جلال آل احمد در آینه داستان‌هایش

آل احمد و داستان کوتاه

دکتر بهناز علی‌پور گسگری

داستان‌نویسی برای آل احمد دستاویز بیان اندیشه‌های اوست. از این رو، وجهه هنری و ادبی داستان‌هایش در درجه دوم اهمیت، و تحت شعاع مضمون‌ها و پیام‌های اجتماعی و سیاسی وی قرار می‌گیرند. در نخستین مجموعه داستان آل احمد، با عنوان دید و بازدید، با راوی-نویسنده‌ای رویه‌رو می‌شویم که به فقر، خرافه و سنت‌های مزاحم و فاصله‌های طبقاتی، نگاهی احساساتی و سانتی‌مانتال دارد. همچنین به زبان طنز، استهزاء و گاهی طعنه‌زن، به انتقاد از عقب‌ماندگی‌های فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد. این ویژگی‌ها در داستان‌های گل‌دان چینی، تابوت پستیچی و زیارت وضوح بیشتری می‌یابند. و اما همین راوی جوان، در داستان‌های دید و بازدید عید، افشار بی‌موقع و معرکه، ضمن جدا کردن خود از دنیای کوچک آدم‌های معمولی، به این موضوع تفاخر نیز می‌کند. آل احمد جوان، در دوره نگارش این داستان‌ها در اوج فعالیت‌های سیاسی است. از این جهت، داستان‌های این مجموعه، گزارش، خاطره‌گویی و درد دل‌هایی هستند حاوی اظهار نظرهای سیاسی و اجتماعی، نگرش ایدئولوژیک و تلقی‌های ایدئالیسی.

مجموعه داستان از رنجی که می‌بریم هم‌زمان با جدایی و انشعاب آل احمد از حزب توده نوشته می‌شود، که حاوی قصه‌های شکست در مبارزات سوسیالیستی است. نویسنده تأثر و ناباوری خود از واقعه شکست کارگران و فرار رهبران حزب را به داستان درآورده است. او با ضجه‌ها، شعارها و رهنمودهایش در فضای داستان، آنها را ابزار رساندن فریاد گروهی شکست‌خورده و مغبون، و ابزار انتقام از رهبرانی قرار داده است که در اوج تهدید و خطر، طرفدارانشان را رها کردند. در تجزیه و تحلیل این داستان‌ها، بخش‌هایی از مصیبت‌های تکرارشونده تاریخ

چکیده

جلال آل احمد در صحنه ادبیات داستانی و در تاریخ اندیشه سیاسی-اجتماعی ایران، همواره نقشی درخور تأمل داشته است. در این مقاله با اتکاء به متن و ساختار داستان‌های او، به تحلیل شخصیت مؤلف و ردیابی سیر تحول اندیشگی و مهم‌تر از آن، ردگیری استمرار اندیشه آل احمدی و آزمون و خطاهایی از این دست پرداخته می‌شود.

در این مقاله، هدف شبیه‌سازی زندگی‌نامه نویسنده نیست؛ بلکه مقصود، نمایش بخش‌هایی از فراز و فرودهای اندیشگی، دغدغه‌های اجتماعی و بازتاب آنها در داستان‌های پرداخته‌وی و ادامه نوع تلقی اوست تا به امروز.

واژه‌های کلیدی: آل احمد، داستان‌نویسی، نقد مؤلف‌محور،

اندیشه.

سیاسی - اجتماعی ما مشاهده می‌شود.

آل احمد، سه‌تار را یک سال بعد از جدایی از حزب توده و انشعاب می‌نویسد. او در این دوره، تا اندازه‌ای از فضای هیاهوهای سیاسی فاصله می‌گیرد و در سکوت و بهتی که نتیجه شکست رؤیاهای اوست، به سر می‌برد. موضوعات داستانی‌اش در این مجموعه تنوع یافته‌اند، وجوه ادبی - هنری و شیوه‌های روایت و پرداخت داستان‌ها درخور توجهند و از نگاه قضاوتگر و دخالت‌جویانه نویسنده نسبت به دو مجموعه گذشته کاسته شده است.

داستان بچه مردم، یکی از موفق‌ترین نمونه داستان‌های کوتاه ایرانی، نتیجه همین دوره است. شخصیت اصلی داستان، زنی است که بچه‌اش را سر راه می‌گذارد تا با مردی که تحمل نگهداری بچه مردم را ندارد، زندگی کند. آل احمد بسیار زیرکانه، عنان روایت را به دست زن می‌دهد و بدون دخالتی، قضاوت درباره عمل زن را، در کشمکش‌های وجدانی معذب و حس گناه و توجیه او، به خواننده وامی‌گذارد. انتخاب تک‌گویی درونی، به عنوان شگرد مناسب روایی، قدرت نویسنده را در غیاب افکار آشفتۀ سیاسی‌اش به زیبایی در این داستان به نمایش می‌گذارد.

سه‌تار داستان مردی نوازنده است که بعد از سال‌ها نواختن با ساز عارپه‌ای، سرانجام سه‌تاری می‌خرد و همان روز، موقع گذشتن از کنار مسجد شهر، گرفتار جوانکی عامی می‌شود که به عبور او با در دست داشتن آلت لهو و گناه اعتراض می‌کند. کار به زد و خورد می‌کشد و سه‌تار شکسته می‌شود. جوان نوازنده مأیوس و سرخورده از مردم هنرنشناس، از جامعه روی برمی‌تابد و به تنهایی اتاق کوچکش پناه می‌برد. این داستان، حدیث نفس آل احمد است که به دنبال

در داستان مدیر مدرسه، مدیر مدرسه، جلال آل احمد است؛ نویسنده و نمونه‌ای از روشنفکران به ظاهر آشنا و در عمل ناآشنا با جامعه مدعی شناخت آن. مضمون داستان، جست‌وجو و ریشه‌یابی علل شکست‌هاست. از این جهت، نخستین داستان جلال است که به جای معلول‌ها به علت می‌پردازد و در برزخ تناقضی روشنفکرانه، اعلام می‌کند حرکت بر مبنای غریزه و شور آرمان‌خواهی، لفاظی و سخن‌پردازی و غفلت از عمل‌گرایی، آنها را آونگان نگاه داشته است

در داستان
مدیر مدرسه
مدیر مدرسه
جلال آل احمد
است نویسنده
و نمونه‌ای از
روشنفکران

فراز و فرودهای زندگی سیاسی‌اش و سرخوردگی از رهبران مدعی آزادی‌خواهی، در دوره سکوت و انزوا به سر می‌برد. در این مجموعه، لحن محزون آل احمد از ورای داستان‌هایش آشکارا به چشم می‌خورد. مجموعه داستان زن زیلای نیز ادامه محصول دوره فترت و سکوت آل احمد است. کتاب با متنی غیر داستانی یا عنوان رساله پولوس رسول شروع می‌شود، که در واقع مانیفست نویسنده در باب ادبیات متعهد، تعهد نویسنده و نقش و رسالت اجتماعی اوست. زبان این رساله، که به متن کتاب‌های مقدس پهلوی می‌زند، مبین تقدس قلم و نوشتن از دیدگاه اوست.

دیگر داستان‌های مجموعه، حدیث نفس‌ها، خاطرات و گوئی‌های تنهایی آل احمدند، با مایه‌هایی از افشای حقایقی در باب عرف‌ها و سنت‌های زاید اجتماعی و به علاوه، حاوی درخواست نویسنده برای افقی بازتر و فضایی برای نفس کشیدن.

در چهار داستان این مجموعه، چهره خسته و عبوس نویسنده در میانه ترس‌ها و امیدهایش به چشم می‌آید. او در قالب معلمی تنها و دلزده، که از روزمرگی، تنگی معیشت و شیوه‌های آموزشی رایج به تنگ آمده است، حدیث نفس می‌گوید.

در داستان چاپه معلمی در ایستگاه اتوبوس به جای پاهای روی برف نگاه می‌کند؛ ناگهان یاسی عمیق به ذهن و روانش چنگ می‌کشد. این جلال است که در جای یک مصلح اجتماعی، از حذف شدن و به دید نیامدن وحشت‌زده می‌شود، سابقه مبارزات اجتماعی‌اش را زیر سؤال می‌برد و از خودش می‌پرسد که آیا عمری را بیهوده در راه احقاق حقوق مردم سپری نکرده است؟ آیا جاده‌صاف‌کن مدعیانی نبوده که خلاف شعارهایشان، به راحتی اصول را زیر پا می‌گذارند؟ و سرانجام در اوج بی‌گناهی، از خودش می‌پرسد آیا نشانی از او باقی خواهد ماند؟ مثل انبوهی جای پا زیر غبار فراموشی دفن نخواهد شد؟ و این مضمون، یکی از دغدغه‌های جدی آل احمد است.

داستان خداداد خان از همین مجموعه، برخاسته از تجربه مستقیم آل احمد، و شخصیت اصلی داستان، یکی از رهبران تازه به منصب رسیده حزب است. خداداد خان به دنبال زد و بندهای درون‌حزبی، درک زمان و فراموش کردن اهداف سیاسی‌اش، به خلوص طرفدارانش پشت پا می‌زند تا جاده را برای جاه‌طلبی‌ها و منافع شخصی خود هموار کند. این تیپ آشنا، بی‌رحمانه زیر قلم آل احمد کالبدشکافی می‌شود تا دلایل شکست و باز تجربه کردن تجربه‌ها به خواننده یادآوری شود و سرانجام ثابت کند که رعشه قلم، جز به تعهد، ناصواب است.

آل احمد و داستان‌های بلند

سرگذشت کنده‌ها نخستین داستان بلند آل احمد، به ناکامی دیگری در زندگی سیاسی او اشاره می‌کند. آل احمد که بعد از یک دوره سکوت پس از جدایی از حزب توده، با ظهور جبهه ملی و جنبش ملی شدن صنعت نفت، دوباره وارد فعالیت‌های سیاسی شده است، با واقعه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دچار شوک سیاسی دیگری می‌شود و سرگذشت کنده‌ها را متأثر از وقایع همین دوره می‌نویسد.

آل احمد از لابه لابه لای سطور سیاه در غیاب سفیدخوانی هاشمی و انتقادها و انتقادهای در فضای داستان می‌نشانند. در یک کلام،

**آل احمد از لابه لابه لای سطور سیاه داستان هاشمی،
در غیاب سفیدخوانی های متن فریاد می کشد
و آراء و انتقادها و انتقادهای هاشمی را آزادانه
در فضای داستان می‌نشانند. در یک کلام،
داستان های آل احمد، هر یک پاره ای برگرفته
از اندیشه های او در کتاب در خدمت و خیانت
روشنفکران است؛ به گونه ای که می توان آنها
را نسخه های داستانی این کتاب تلقی کرد**

جلال آل احمد نون والقلم را در سال ۱۳۴۰ می نویسد. این رمان نیز به درستی، بازتاب تحولات فکری و نگاه او به گذشته و خودش است. نون والقلم رمانی سیاسی است که سرنوشت و شکست یک انقلاب، از ابتدا تا انتهای آن دنبال می شود.

داستان نون والقلم از جمله داستان های استعاری است. مضمون اصلی رمان، انقلاب و روند پاگیری، ادامه و سرانجام آن است. در این داستان، قلندران، به عنوان مدعیان آزادی خواهی و برقراری حکومت عدل و برابری، با حمایت مردم در برابر حاکمان خودکامه می ایستند، آنها را به عقب می رانند و قدرت را به دست می گیرند؛ اما با دست یافتن به اهرم های قدرت، دچار بهت می شوند و بی تجربه در اداره امور شهر و مردم، ناخواسته دست به اعمالی می زنند که بی شباهت به روش حکومت سابق نیست؛ تا سرانجام روش های اقتدارگرایانه آنها، از حکومتی که علیه آن قیام کرده بودند، پیشی می گیرد. آل احمد با پرداختن به این مضمون، در حقیقت سرنوشت ساختارهای قدرت و مشابهت های آنها را در این داستان به تصویر می کشد.

این داستان به ماجرای شکست مبارزه اجتماعی - سیاسی گروه های چپ گرا و ملی در دهه های ۲۰ و ۳۰ قرن حاضر در تاریخ مبارزات اجتماعی مردم ایران اشاره می کند. نویسنده با انتخاب شیوه رمزی - تمثیلی، وقایع تاریخی گذشته را غیر مستقیم بازگو می کند. از این رو، شیوه عامیانه نویسی داستان های عامیانه فارسی را برگزیده و با ابزار طنز، به منظور نمایش هرچه بیشتر تلخی وقایع، به عمق روابط و وقایع بی رحم سیاسی و اجتماعی جامعه نقب زده است. از سوی دیگر، داستان را با انتقادات و بحث های مستقیم سیاسی و لحن جانبدارانه و افشاگرانه خود انباشته است.

آل احمد به منظور افشای تراژدی استعمار و تحرکات کمپانی های نفتی و تزریق مدرنیسم در زمان حکومت اختناق، شیوه ای سمبولیک برای بیان این داستان انتخاب می کند. زبورها به مثابه نمادی از جامعه زخم خورده تحت استعمار، در مقابل طمع کاری های فزاینده کندودار، تحمل از کف می دهند و تصمیم به مهاجرت می گیرند. این موضوع در راستای اتفاقی است که برای بسیاری از روشنفکران همان دوره رخ می دهد؛ عده ای جلای وطن می کنند، گروهی به پیله تنهایی و تخدیر پناه می برند، دسته ای خودکشی می کنند و ...

لحن نوستالژیک و پرخاشگر آل احمد در این داستان، چهره خشمگین نویسنده را از اجتماع و مردمی پیش بینی نشدنی آشکار می کند. بعد از آن، دوباره خودش را در جامعه سکوت می پیچد، به سفرهای داخلی و خارجی می رود و گزارش سفر و تک نگاری هاشمی را منتشر می کند.

کار بعدی داستانی آل احمد بعد از یک فترت پنج ساله، مدیر مدرسه است. مدیر، شخصیت محوری داستان است و ماجرای داستان بر مبنای کشمکش های او با جامعه و خودش شکل می گیرد. مدیر، روشنفکری اصلاح طلب، عجول و ناشی است؛ یک تنه به جنگ مشکلات و دگرگون کردن سنت های غلط آموزشی و روابط جاری مدرسه می رود و با موانع و مقاومت های جدی مواجه می شود. او که خود را از چاله معلمی و فرار از تکرار ابطال برای دانش آموزان، به چاه مدیریت انداخته است، این بار، عمق فجایع و فساد دستگاه آموزش و پرورش را با همه وجود درک می کند. مدیر مدرسه برای جایگزینی افکار بدیع و ارزش های اصلاح طلبانه اش ابزار مناسبی در اختیار ندارد. در شروع کار، با شور و احساسات عجولانه و غریزی، با سنت ها و بی اخلاقی ها درمی افتد؛ اما به تدریج با دیدن انبوه مشکلات و پیچیدگی روابط، انرژی و انگیزه اش را از دست می دهد و عقب نشینی می کند؛ آرمان گرایی و اندیشه های اصلاح گرانه اش را کنار می گذارد و تصمیم می گیرد مدیری تشریفاتی باقی بماند. اما همین جاست که جنگ و کشمکش درونی، دست از سرش برنمی دارد. در زمانی کوتاه، احساس پوچی و ناامیدی، او را به استعفا وامی دارد و همین گریز و اظهار عجز اوست که به داستان پایانی تراژیک می بخشد.

مدیر مدرسه، جلال آل احمد است؛ نویسنده و نمونه ای از روشنفکران به ظاهر آشنا و در عمل نا آشنا با جامعه مدعی شناخت آن. مضمون داستان، در حقیقت جست و جو و ریشه یابی علل شکست هاست. از این جهت، نخستین داستان اوست که به جای معلول ها به علت می پردازد و در برزخ تناقضی روشنفکرانه، اعلام می کند حرکت بر مبنای غریزه و شور آرمان خواهی، لفاظی و سخن پردازی و غفلت از عمل گرایی، آنها را آونگان نگاه داشته است.

و اما در این داستان، که فرآورده یک دوره خوداندیشی و درون نگری است، نویسنده خود محور پیشین، از اعتراف به شکست و قضاوت منصفانه در باب ریشه های آن، هراسی به خود راه نمی دهد.



درک و بینش سیاسی و شور اجتماعی آل احمد و پختگی او، در این داستان بیش از دیگر آثارش مشهود است؛ حتی می‌توان آن را سیاسی‌ترین کار وی خواند. آل احمد در این داستان پشت سر شخصیت اصلی، میرزا اسدالله، فردی همه‌چیزدان و وارسته و اهل حقیقت، ایستاده است و نظریات خود را از زبان او ابراز می‌کند و به این طریق، صدای مسلط خود را بر متن داستان می‌گسترده.

نفرین زمین نیز در قلمرو رمان اندیشه، به بیان نظرات آل احمد در موضوع جدال سنت و مدرنیسم اختصاص دارد. این تعارض، در چهره روستا، به عنوان شخصیت مهم داستانی، دیده می‌شود. روستایی محروم و فقیرزده، با مناسبات ارباب و رعیتی، با ورود آسیاب موتوری به جای آسیاب آبی، و در سطحی وسیع‌تر، با ورود مظاهر شهری و تکنولوژی، افسار پاره می‌کند؛ تلاش می‌کند مناسبات گذشته و سنت هایش را حفظ کند؛ اما در کشمکش سنت و مدرنیسم، با هجوم قدرتمند ماشین و سرمایه، محکوم به شکست است. از این رو، چهره روستا به تدریج استحاله می‌یابد.

نفرین زمین در دوره‌ای نوشته می‌شود که بساط ارباب و رعیتی با بحث اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی برچیده می‌شود و نظام سرمایه‌داری، گام به گام با ابزار کمپانی‌های داخلی و خارجی، مناسبات خود را گسترش می‌دهد. و اما نویسنده نیز به همراه مردم روستا، که از رفتن جوان هایشان به شهر و از دست رفتن دین و اعتقاد، باورها و سنت هایشان بیمناکند، سوگواری می‌کند و داستان به نوعی به عرصه اشک ریختن برای از دست شدن نظم و نظام گذشته و وحشت و پریشانی از تغییر و ورود نظام تازه‌ای پر از ابهام بدل می‌شود. آل احمد در این داستان، چون همیشه، موضع‌گیری می‌کند و در مذمت شهری‌گری و مدرنیسم تحمیلی داد سخن می‌دهد. از این رو، داستان را عرصه بیان اندیشه‌های خود در باب نفی تکنولوژی جدید و حفظ ارزش‌های گذشته قرار می‌دهد؛ به علاوه، آشکارا از موضع یک مصلح اجتماعی، به بحث‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و بیان اندیشه‌های غرب‌ستیزانه خود می‌پردازد. از این رو، گفت‌وگوی شخصیت‌های داستان و چینش رویدادها، همه در جهت اثبات نظریات یکه نویسنده به پیش می‌روند. به این ترتیب، نوستالژی آل احمد با مویه بر از دست رفتن صفای روستا و بیهودگی زندگی شهری و معایب آن، با انعکاس یک صدا، یک اندیشه و یک تفکر، صحنه‌های داستان را درمی‌نوردد.

سنگی بر گوری، آخرین کار داستانی آل احمد، یک داستان زندگینامه‌ای و از نخستین اتوبیوگرافی‌های موفق ایرانی است. در این اثر، اوج تحول فکری و اندیشگی جلال دیده می‌شود. او شرم شرقی را، که نویسنده را به خودسانسوری غیر لازم می‌کشاند، می‌شکند و بخش‌های مگویی زندگی خصوصی خود را پیش روی خواننده می‌گشاید. همین جاست که آل احمد، خلاف انتظار خواننده، از پوسته نویسنده‌ی محبوب ملاحظه‌کار مقتدر و البته مردسالار خارج می‌شود و

چهره‌ای دیگر از خود به نمایش می‌گذارد.

خاتمه

در آثار داستانی آل احمد، نویسنده را اغلب پشت سر یکی از شخصیت‌های اصلی داستان هایش می‌یابیم، که دغدغه‌های خود را بر زبان و ذهن آنها جاری و به خواننده منتقل می‌کند. از این جهت، از ورای داستان‌های او یک صدای بلند مسلط به گوشمان می‌رسد.

در اغلب داستان‌های آل احمد، حضور نویسنده بسیار مرئی است؛ تا جایی که نویسنده یک سر و گردن بالاتر از شخصیت‌های بر ساخته‌اش دیده می‌شود و با نگاه قضاوتگر، صدای یکه و بیان اندیشه‌ها و صدور پیام‌های اجتماعی خود، سلطه‌اش را بر متن می‌گسترده. گاهی نیز داستان را به صحنه نبرد ایدئولوژیک تبدیل می‌کند. چنین است که آل احمد از لابه‌لای سطور سیاه داستان هایش، در غیاب سفیدخوانی‌های متن فریاد می‌کشد و آراء و انتقادها و انتقام‌هایش را آزادانه در فضای داستان می‌نشانده. در یک کلام، داستان‌های آل احمد، هر یک پاره‌ای برگرفته از اندیشه‌های او در کتاب در خدمت و خیانت روشنفکران است؛ به گونه‌ای که می‌توان آنها را نسخه‌های داستانی این کتاب تلقی کرد.

و اما، آل احمد نویسنده‌ای است پیش‌بینی‌نشدنی. در واپسین سال‌های عمرش، اتوبیوگرافی‌ای از خودش به جا می‌گذارد که با عبور از مرز سانسورهای درونی و بیرونی، پرده از خصوصی‌ترین بخش‌های زندگی‌اش برمی‌دارد، ضعف‌ها و قوت‌هایش را بی‌پرده آشکار می‌کند و پس از گذر از انتقادهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، یکسره به نقد خود می‌پردازد.

... گفتنی است اگر او هنوز زنده بود، هر بار دست دیگری رو می‌کرد به شیفتن و مبهوت ساختن مخاطبش.

کتابنامه

- آل احمد، جلال، ۱۳۸۵، سنگی بر گوری. تهران: فردوس
- آل احمد، جلال، ۱۳۴۳، یک چاه و دو چاله. چاپ اول، تهران: رواق.
- آژند، یعقوب، ۱۳۶۳، ادبیات نوین ایران. تهران: امیرکبیر.
- جعفری، عبدالرضا، ۱۳۷۹، جلال جاودانه: مجموعه داستان‌های جلال آل احمد. چاپ اول، تهران: تنویر.
- دست‌غیب، عبدالعلی، ۱۳۷۱، نقد آثار جلال آل احمد. تهران: ژرف.
- کیانوش، محمود، ۲۵۳۵، بررسی شعر و نثر معاصر. چاپ چهارم، تهران: رز.
- میرآخوری، قاسم، ۱۳۷۶، مرغ حق: زندگی و اندیشه جلال آل احمد. تهران: جامی.
- میرعابدینی، حسن، ۱۳۸۰، صد سال داستان‌نویسی ایران. تهران: چشمه.
- نجف‌زاده بارفروش، محمداقبر، ۱۳۷۶، گزیده داستان‌های کوتاه جلال آل احمد. چاپ اول، تهران: چاپ و نشر بنیاد.